

# افغانستان آزاد - آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۱۲ اگست ۲۰۲۰

## بزرگداشت یک جاسوس در دولت جواسیس!

سه شنبه - ۲۱ اسد ۱۳۹۹ - کابل: علی رغم آن که من هم به مانند هزاران و میلیونها انسان دیگر بدین معتقد هستم که نباید سگ مرده را لگد زد و می باید تلاش نمود، تا سگ زنده و هار است آن را به زنجیر بست، مگر این را نیز به مثابه منتم حکم بالا بر خود فرض می دانم، تا بنویسم که وقتی سگ مرده را لگد نمی زنی بدان معنا نیست تا مانع دفن آن شوم و یا خود نکوشم تا آن را دفن نمایم و بگذارم که جسد گندیده و متعفن آن، فضاء را آلوده بسازد. بارز ترین مورد چنین حسی همین امروز حین مشاهده مراسم تدفین سگ هار سوسیال امپریالیسم روس "سلیمان لایق" برایم دست داد، که طی چند سطر آن احساس را با شما نیز شریک می سازم:

۱- در درازنای تاریخ کشورهای زیادی من جمله کشور خود ما بارها و بارها مورد هجوم اشغالگران دور و نزدیک قرار گرفته، مهاجمان از کشته ها پشته ساخته اند، زنان، کودکان و پیرمردان را از دم تیغ گذشتانده اند، قتل های عامی را انجام داده اند که در یک شهر بزرگ یک زنده جان حنا حیوانات باقی نگذاشته اند، با خون قربانیان آسیاب را فعال و گندم را آرد کرده از نان آن خورده اند تا قسم شان برآورده شود، مگر علی رغم تمام این قساوتها و جنایات، باز هم قادر نشده اند هویت قوم مورد تهاجم و تجاوز را با زور اسلحه از بین ببرند.

۲- تاریخ ثابت نموده که برای از بین بردن یک ملت و یک قوم فقط زمانی می توان به موفقیت نایل شد، که متجاوزان بتوانند هویت خود را جای هویت مغلوب به خورد مغلوبان بدهد، یعنی نه تنها دست و پای آنها را تابع اراده قهار خود بسازد، بلکه مغز آنها، تفکر آنها و اندیشه های آنها را پاک نموده با یک شست و شوی مغزی، ارزش های استعماری خود را جایگزین ارزش های آنها ساخته، دماغ آنها را چنان تصرف نمایند که مغلوب بپذیرد که پست تر و حقیر تر از غالب است، ارزش های مادی و معنوی حاکم بر جامعه اش پست تر و حقیر تر از ارزش های مادی و معنوی غالب است، در این قالب چنان فرو برود که حتا در تنهایی و بدون آن که جبر و ستمی در میان باشد، از موجودیت خود شرمیده تلاش بورزد، با هویت غالب زندگانی نماید.

۳- باز هم در روند تاریخ این همان کاریست که به وسعت کنونی اش اعراب بعد از حملات شان بر امپراتوری ساسانی و روم و اشغال قهری شمال افریقا انجام دادند، این همان کاریست که روسیه تزاری با مناطق اشغالی اش در آسیای مرکزی انجام داد، این همان کاریست که اروپای غربی در تمام قاره اروپا، امریکا، استرالیا و زیلانده جدید اعمال نموده، فقط به آن بخش از بومیان این مناطق حق ادامه حیات داده اند، که در یک استحاله فرهنگی- ارزشی، شخصیت و هویت قبلی شان را زیر پای نموده، خود را در فرهنگ حاکمان غالب، حل نموده اند.

۴- در کشور ما استعمار از نخستین روز های پای گذاشتن در آن، یعنی از سال ۱۸۰۹ که برای بار اول جنرال هفستون و همراهانش وارد قلمر درانی ها شده با شاه شجاع قرار داد بستند، تا امروز، چه انگلیس بوده و یا روس و یا امریکا، سخت تلاش نموده اند، تا جهت به زیر کشیدن مردم و تدوam انقیاد، نخست فرهنگ و ارزش های فرهنگی ما را مورد تهاجم قرار دهند، آنها کوشیده اند تا از ارزش های ظاهری گرفته تا ارزش های معنوی کشور خودشان را به مثابه مود، تمدن و نمود و سمبول ترقی و پیشرفت، به خورد باشندگان این سرزمین بدهند.

این تلاش به همان اندازه که بین طبقات بالا مؤثر واقع شده و زمامداران را که عمدتاً دست نشانده نیز بوده اند به تقاله های فرهنگی خود مبدل ساخته اند، بین توده های میلیونی کشور ما با انزجار و نفرت مواجه شده، کمتر دیده شده است که توده های میلیونی ما، خود را با ارزش های متجاوزان همسو بسازند.

۵- از جمله تاریخ گواهی می دهد، وقتی شاه شجاع به قتل رسید، علی رغم آن که جمعی را اعتقاد بر آن بود که وی حین برآمدن به جهاد از طرف رقبای قدرتش به قتل رسیده، جنازه اش مدت سه روز در میدان بدون لباس باقی ماند و کسی حاضر نبود تا وی را به خاک بسپارد، همچنان زمانی که "ببرک کارمل" جاسوس روس مرد، هر چند جسد کثیفش در نقطه ای مدفون گردید که از یک جانب باشندگان محل حساسیت آگاهانه سایر مناطق را نسبت به وی نداشتند و از جانب دیگر قدرت های محلی از آن پاسداری می نمودند، با آنهم مردم غیور افغانستان، دفن آن ننگ مجسم را در منطقه شان نپذیرفته، با بیرون کشیدن جسدش و انداختن آن به رود آمو، ننگ موجودیت قبر "ببرک کارمل" در زمین خود را نپذیرفتند. عین برخورد در مورد قبور شناخته شده بقیه قبور خلقی- پرچی ها و آن ها را به نجاستگاه سگان مبدل کردن صدق می نماید.

۶- تا اینجای قضیه، همان مردم است و دفاع از ارزش های فرهنگی شان که جواسیس را لایق و شایسته دفن در زمین پاک و مقدس افغانستان نمی دهند. زمینی که مدفن هزاران تن از جانبازان و شجاعان این مرزوبوم است، نباید با دفن اجساد گندیده و متعفن چون جسد سلیمان لایق آلوده بگردد.

مگر عکس این برخورد حاکمیت دست نشانده و جاسوس اجنبی، از آنجائی که نه تنها از ارزش های میهن ما بریده و ارزش های اشغالگران را پذیرفته است بلکه چنان استحالته شخصیتی داده که از زایمانش به مثابه یک فرزند افغان نیز ناراض و شاکی است و ببرک گونه می خواهد انسانیت را با اشغالگر عجین نماید و فقط کسی را افغان بنامد که در خدمت اشغالگران و سگ درب متجاوزان باشد، "سلیمان لایق" یکی از جواسیس روس و یک تن از قاتلان مردم ما را با مراسم رسمی به خاک می سپارند.

هموطنان گرامی!

برای من نوعی به صد ها دلیل عمال اجنبی و حکمداران دولت دست نشانده، واجب القتل و مباح الدم اند، هر فردی که که هریک از آنها را بکشد، حتا اگر از خودش نفرت هم داشته باشم عملش برایم قابل تأیید است، باید بیفزایم در جمع تمام آن دلایل، شرکت در مراسم تدفین این سگ پیر استعمار و وی را با مراسم رسمی دفن نمودن، از جمع آن گناهای است که به هیچ صورت قابل بخشش نیست، زیرا مقامات شرکت کننده در آن مراسم، عملاً برخون تمام جانبازان و قربانیان خلقی ها پرچی ها پای گذاشته به آنها اهانت نموده اند.

**نگ و نفرین بر آنهایی که جواسیس را حرمت می گذارند!**

**مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع، جزء لاینفک مبارزه علیه دولت دست نشانده می باشد!**

**سرکها ما را می طلبند!**